



تربیت اسلامی و تربیت غیر اسلامی با نگاه مقایسه ای

علیرضا سلیمانی کیا

سطح سه حوزه علمیه قم ، arna6288@gmail.com

چکیده

این مقاله با هدف بررسی مقایسه ای تربیت از منظر اسلام و غیر آن انجام گرفته ، که تحت عنوان تربیت اسلامی و غیر اسلامی با نگاه مقایسه ای ذکر گردیده و از روش تحلیلی - توصیفی استفاده شده است . باتوجه به اهمیت تربیت در تعیین مقصد آینده انسان و ایجاد افق متعالی در زندگی و اجتماعات انسانی ، در اینجا ابتدا مفهوم تربیت و تعاریف تربیت از نگاه اندیشمندان مسلمان و غیر مسلمان ذکر گردیده است و به دنبال آن اهداف تربیت اسلامی و غیر اسلامی و پس از آن روشهای تربیتی در اسلام و مکتبهای غیر اسلامی بررسی شده است ؛ در نهایت با نتیجه گیری ، این بحث به پایان می رسد . در بحث تربیت مذکور در مقاله ، تربیت اسلامی یک چهارچوب معین و مشخص دارد که ؛ تربیت انسان بر پایه ی آموزه های الهی و سنت ائمه اطهار علیهم السلام می باشد و تربیت غیر اسلامی ، شامل ؛ دیدگاههای مکاتب تربیتی مختلف می باشد و یک مکتب خاص مد نظر نیست، بلکه در هر بحث گزیده ای از نظرات تمام مکاتب تربیتی در مقایسه با تربیت اسلامی ذکر گردیده ؛ که نتیجه ی آن حاکی از این است ، اسلام تمام ابعاد وجودی انسان را برای رسیدن به کمال و عبودیت در نظر گرفته و خود انسان برای برنامه ی تربیتی اسلام موضوعیت دارد ، حال آنکه در تربیت غیر اسلامی جامعه موضوعیت دارد و تلاش تربیتی برای رسیدن به قدرت می باشد و نهایتاً به زندگی خوب از نگاه اندیشمندان غیر اسلامی منتهی میشود و حلقه فراموش شده در این تربیت ، «خود انسان» است.

واژگان کلیدی : تربیت ، تربیت اسلامی ، تربیت غیر اسلامی .

مقدمه

در بین مخلوقات الهی انسان دارای شرف و جایگاهی ویژه است ، یکی از دلایل این شرافت داشتن قوه ی عاقله است که توان تربیت پذیری و رشد و کمال را برای انسان فراهم می نماید . در ذات انسان استعدادهای فراوانی نهفته است که برای شکوفا شدن آنها نیاز به تربیت دارد ، اما از آنجا که مقوله ی تربیت ابعاد مختلف وجود انسان را در بر می گیرد باید برنامه ای جامع وجود داشته باشد تا جنبه های مختلف تربیتی انسان را تحت مراقبت قرار دهد و با رعایت اهمیت فالاهم ، استعدادهای بشری را به شکوفایی برساند . از آنجا که عقل بشر قدرت درک تمام این استعدادها را ندارد و با توجه به قوانین حاکم در جامعه های بشری و تجدید نظرهای مکرر در آنها که نشان از خطاپذیری این برنامه های بشری است ، باید نسبت به برنامه های تربیتی انشاء شده از طرف افراد نوع بشر نیز وجود این خطاها و حتی بالاتر ؛ ایجاد جنبه های خاص تربیتی برای رسیدن به اهداف ویژه ی پایه گذاران برنامه های تربیتی را محتمل بلکه قطعی دانست ، در اینجا سؤال می شود که راه چاره چیست؟ برای اجتناب از این موارد باید در پی برنامه ای جامع بود که پایه گذار آن شناخت کامل و کافی از انسان و نیاز هایش ، استعدادهای ذاتی اش و ... داشته باشد، که قطعاً هر عقل سلیمی برنامه ریزی ، که بالاتر از خداوند متعال در شناخت حقیقی انسان علم داشته باشد را رد می کند ، پس باید به دنبال برنامه ی تربیتی الهی که کمال آن در دین مبین اسلام به عنوان خاتم ادیان و کاملترین دین می باشد ، رفت. اما این کمال و این برتری فقط زمانی اثبات می گردد که با برنامه های تربیتی غیر اسلامی مقایسه گردد و ضعف آنها آشکار شود. که در اینجا با مقایسه کردن تربیت اسلامی و تربیت غیر اسلامی سعی در شناخت این برتری و واضح نمودن ابعاد تربیتی و اهداف آن در تربیت اسلامی و تربیت غیر اسلامی گردیده است.

۱- مفهوم شناسی

۱-۱) **تربیت** : « کلمه ی تربیت مصدر باب تفعیل است که به دلیل معتل و ناقص بودن ریشه ی لغوی آن ، بر وزن « تفعله » آمده است ؛ « ربّی ، بری ، تربیه » ، نویسنده ی کتاب النظام التربوی فی الاسلام تصریح کرده است که « تربیت » در لغت از ماده ی « رب » است . (شریف قریشی ، ص ۴۱)

همچنین گفته شده ؛ کلمه ی « تربیت » از ریشه « ربا ، ربو » گرفته شده و معنای آن ، نشأت و رشد است . (استادان طرح جامع، ص ۵۴) و در لغتنامه ی دهخدا ، تربیت به معنی « پروردن و پروراندن » ذکر شده است . (دهخدا ، ۱۳۷۲، ج ۱۴ / ص ۵۵۰)



در مورد ماهیت تربیت نیز گفته می شود؛ تربیت علم است، چون دارای موضوع که همان انسان است و هدف که کمال انسان است و روش می باشد و جریان رشد و حیات آدمی را کنترل می کند.

۱-۲) **تربیت اسلامی**: تربیتی که بر مبنای موازین و قوانین شریعت اسلام در چهار چوب کتاب و سنت که همان ثقلین می باشند، یعنی؛ وحی الهی و اوامر و رهنمودهای اهل بیت علیهم السلام. قرآن کریم در سوره مبارکه ی بقره می فرماید: « قل إن هدی الله هو الهدی » (بقره/ ۱۲۰) هدایت واقعی هدایت خداست. تنها هدایت الهی را در اینجا بالاترین هدایتها می داند. بنابراین هدایت از نگاه اندیشمندان اسلامی اینگونه تعریف می شود:

الف) شهید مطهری: « تربیت عبارت است از؛ پرورش دادن، یعنی استعدادهای درونی ای را که بالقوه در یک شیء موجود است به فعلیت در آوردن و پروردن ». (مطهری، ۱۳۸۳، ج ۲۲/ص ۵۵۱)

ب) علامه مصباح: « تربیت؛ فراهم کردن زمینه هایی است برای اینکه استعدادها و نیروهای یک موجود رشد کند تا بتواند از این نیروها برای رسیدن به کمال خویش بهره مند شود. (گروه نویسندگان، ۱۳۸۸، ص ۲۸)

نظر مؤلف: سخن جامع در تعریف تربیت از نگاه اندیشمندان اسلامی: « به فعلیت رساندن استعدادها و قوای ذاتی که خدا در انسان به ودیعه نهاده و با استفاده از عقل و نقل می توان آنها را به فعلیت رساند تا سبب کمال و رشد انسان در مرتبه قرب الهی گردند ». این تعاریف حول سه محور، برای به فعلیت رساندن استعدادها می چرخند: ۱- فطرت، ۲- وحی الهی، ۳- سنت و دستورات ائمه معصومین علیهم السلام.

۱-۳) **تربیت غیر اسلامی**: تربیت غیر اسلامی این سه اصل - فطرت، وحی، سنت - را قبول ندارد و اساسا در تعریف تربیت نگاهش به بیرون و اسباب بیرونی می باشد و قائل هستند که تربیت ربطی به درون ندارد و اصل فطرت را منکرند. چنانکه « جان دیویی در تعریف تعلیم و تربیت معتقد است که، عبارتند از: تجدید نظر در تجربیات و تشکیل مجدد آنها ». (شریعتمداری، ۱۳۸۴، ص ۳۱)

۳) انواع تربیت

در یک تقسیم بندی کلی که مبنای این مقاله بر آن است، تربیت دو قسم می باشد:

۱-۳) **تربیت اسلامی**: که بر مبنای آموزه های وحیانی و سنت و سیره ی اهل بیت علیهم السلام می باشد.

۲-۳) **تربیت غیر اسلامی**: که خود به دو دسته تقسیم می گردد:

۱-۲-۳) **تربیت بر مبنای اهداف مادی و انسانی**؛ که با توجه به شرایط موجود در اطراف انسان و همچنین با نگاهی که به نوع انسان می گردد، در مکاتب مختلف در چهارچوب قوانین بشری طراحی شده و ابزار تربیتی متناسب برای رسیدن به این اهداف (اهداف مادی) در نظر گرفته می شود.

۱-۲-۳) **تربیت بر مبنای امیال انسانی**؛ که در اینجا می توان گفت: انسان به عنوان ابزاری در بحث تربیتی مطرح می گردد به جهت رسیدن عده ای دیگر به آمال و آرزوهایشان، شاید در اینجا گفته شود که این قسم جزء تربیت نیست، اما با نگاه دقیق خواهیم دید که این هم تربیت است اگرچه ناصحیح و در جهتی خاص حرکت میکند.

با توجه به تعریف تربیت؛ که به معنای پروردن و پروراندن است، یا به معنی فعلیت دادن به استعدادها بالقوه، انسان وقتی پا به عرصه ی هستی می گذارد با دو بعد ملکی و ملکوتی همراه است و صفحه ای سفید و آماده جهت تعیین مسیر و حرکت برای رسیدن به اهداف آن مسیر، می باشد. حال اگر تربیت بر مبنای آموزه های صحیح باشد، جنبه ی ملکوتی او تقویت شده و به اوج می رسد، اما اگر تربیت بر مبنای هوا و هوس باشد، جنبه ی ملکی او تقویت شده و باعث نزول و سیر قهقرایی او می گردد، که در نتیجه ی آن؛ یزیدیان و امثال دواعش ظهور پیدا می کنند، کشف حجابها و بی حیاییها رخ می دهد، بی حرمتیها عادی شده و هنجار شکنی روزمره ی افراد می گردد.

۴) **موضوع و هدف تربیت**:



بنا بر آنچه که در مورد ماهیت تربیت گفته شد؛ تربیت علم است و هر علمی دارای موضوع می باشد و در اینجا موضوع، انسان است. حال وقتی بحث از تربیت انسان می شود، این تربیت با طی کردن مراحل باید یک هدف را در جهت مسیر تربیتی طی شده داشته باشد که در تربیت اسلامی هدف تربیت انسان رسیدن به کمال، که همان اوج بندگی و قرب به خداوند متعال است، می باشد تا سجده گاه ملائکه گردد، که در قرآن کریم اینگونه تبیین گردیده است:

۴-۱) اهداف تربیت اسلامی:

۴-۱-۱) عبادت و پرستش خداوند متعال: « ما خلقت الجن و الانس الا ليعبدون » (ذاریات/۴۶) جن و انس را خلق نکردم مگر برای اینکه مرا بپرستند.

۴-۱-۲) رسیدن به رستگاری: « قد افلح من زكاهما » (الشمس ۲) هر کس تزکیه کند - از گناه پاک شود - قطعاً رستگار می شود.

۴-۱-۳) متقی شدن: « ذلك الكتاب لاريب فيه هدى للمتقين » (بقره/۲) این کتابی است - قرآن - که شکی در آن نیست و سبب هدایت است برای متقین.

۴-۱-۴) ایمان و عمل صالح: « ان الانسان لفي خسر * الا الذين آمنوا و عملوا الصالحات » (عصر/۳ و ۲) همانا انسانها در ضرر هستند، بجز کسانی که ایمان آورده و عمل صالح انجام دادند.

۴-۱-۵) مخالفت با هوای نفس: چون تبعیتِ هوای نفس مخالف رسیدن به کمال انسان که همان عبودیت الهی است، می باشد: « و من اضل ممن اتبع هواه بغير هدى من الله » (قصص/۴۲) و چه کسی گمراهتر است از آنکه هوای نفسش را پیروی میکند و راه هدایت خداوند را رها می کند.

۴-۱-۶) دوری از دنیا طلبی: چرا که دنیا از نگاه دینی یک مسیر عبور و توقفگاهی است برای برداشتن توشه ی سفر اخروی؛ امیر المؤمنین علی علیه السلام در باره ی دنیا می فرماید: « اولها عناء و آخرها فناء ... » (نهج البلاغه، خطبه ۸۲) اولش دردسر است و آخرش هم فنا و نیستی. قرآن کریم می فرماید: « و ما الحياه الدنيا الا لعب و لهو و للدار الآخرة خیر للذین یتقون ... » (انعام/۴۹) دنیا چیزی نیست جز بازی و هوس و همانا خانه ی آخرت برای اهل تقوا بهتر و نیکوتر است.

نظر مؤلف: با نگاه به اهداف تربیت از نظر اسلام می توان گفت: بیشترین تمرکز تربیتی اسلام بر درون انسانها می باشد و بر پایه ی فطرت الهی و پاک آنها، تا انسان به اوج قله ی انسانیت برسد، چرا که اگر متصفانه به این اهداف نگاهی بیندازیم، چیزی جز امنیت اجتماعی، فردی، اخلاقی و رشد همه جانبه در سایه ی آنها دیده نمی شود.

۴-۲) اهداف تربیت غیر اسلامی:

« پرفسور « برودی » زندگی خوب را هدف اساسی تعلیم و تربیت تلقی می کند و جنبه های مختلف زندگی خوب را اینگونه می شمارد:

۴-۲-۱) برخورداری از سلامت بدن؛

۴-۲-۱) برخورداری از امنیت عاطفی: منظور این است که به وسیله ی همسر و برادر و ... (اطرافیان) مورد محبت قرار گیرد.

۴-۲-۲) احساس قدرت و احترام؛

۴-۲-۴) بیم و امید نسبت به آینده». (شریعتمداری، ۱۳۸۴، صص ۱۸۳ و ۱۸۴)

« بنا بر نظر دونالد باتلر در تعریف تعلیم و تربیت، هدف از آن را رسیدن به رشد بیشتر و از این راه کمک به پیشرفت زندگی انسانی می داند.» (شریعتمداری، همان، ص ۷۵)

۵) روشهای تربیتی اسلام:

۵-۱) عبادت: « اگر چه عبادت هدف هم می باشد، اما روش تربیت اسلامی نیز هست. که در ضمن این عبادت، دعا خواندن هم وارد می گردد. مضمون دعاهایی که خواندن آنها از طریق پیشوایان معصوم علیهم السلام توصیه شده است، غالباً فرد را به عظمت مقام حق تعالی، رأفت الهی، نعمتهای خداوندی، حقارت انسان، خودشناسی، توبه، امید به بخشایش الهی و ... متوجه می سازد. (شریعتمداری، همان، ص ۲۳۹)



- ۲-۵) **تلفیق ایمان و عمل** : اگر فرد نسبت به باورهای الهی ایمان داشته باشد ، به تنهایی ، ولی عملی مطابق با آن نداشته باشد ، این ایمان خاصیت ندارد ، بلکه باید در راستای ایمان خود ، عمل نیز از او صادر شود ، « الا الذین آمنوا و عملوا...» . (عصر/۳)
- ۳-۵) **تربیت عملی یا پیروی از سیره پیامبر (ص) و پیشوایان معصوم (ع)** : قرآن کریم معرفی الگوهای مثبت را بعنوان یکی از روشهای تربیتی در نظر دارد ، « لقد کان لکم فی رسول الله أسوه حسنه ... » (احزاب/۲۱) همانا برای شما در سیره ی رسول خدا ص الگو و اسوه ی نیکویی هست .
- ۴-۵) **موعظه و پند دادن** : در قرآن کریم سوره ی مبارکه ی لقمان ، از روش موعظه و پند استفاده شده است ؛ « و إذ قال لقمان لابنه و هو یعظه یا بنی لا تشکر بالله » (لقمان /۱۳) یاد کن وقتی که لقمان در مقام موعظه و پند به فرزندش گفت : هرگز شرک به خدا نیاور که شرک بسیار ظلم بزرگی است.
- ۵-۵) **پاداش و تنبیه** : وعده های خداوند به بهشت و نعمتهای اخروی و وعید به عذابهایی جهنم ، بعنوان پاداش و تنبیه نقش تربیتی بسزایی در انسان ایفا می کند. « لیجزی الذین أساءوا بما عملوا و یجزی الذین أحسنوا بالحسنى » (نجم/۳۱) که بد کاران را به کیفر می رساند و نیکو کاران را پاداش نیکوتر عطا می کند.
- ۶-۵) **یاد مرگ** : که سبب غفلت زدایی می گردد و حب دنیا و جاه طلبی را از بین می برد و خود بعنوان نیرو محرکه ای در جهت تحقق اهداف تربیتی ، روند سریعتر و بهتری ایجاد می نماید . « کل نفس ذائقة الموت » (آل عمران/۱۸۵-انبیاء/۳۵-عنکبوت/۵۷) و هر نفسی شربت مرگ را خواهد چشید.

۶) روشهای تربیتی غیر اسلامی:

- ۱-۶) **بازسازی تجربه** : که نظریه ی جان دیویی می باشد و در آن ، اصالت را به فرد می دهد ، در این مکتب برای ارزشهای مطلق ، جایگاهی قائل نمی شود ، بلکه وسیله ای برای نیل به هدف شکل می گیرند. (نگاهی به مکتبهای تربیتی در غرب ، pajuhesh.ir)
- ۲-۶) **آزادی** : به مفهوم آزادی اراده و اختیار ، که چیزی آن را منع نکند چون « وقتی آزادی فرد در انتخاب راه معین محدود می شود مثل این است که خود ، هستی خویش را تا اندازه ای از دست داده است ». (شریعتمداری ، همان ، ص ۱۸۷)

۳-۶) حق انتخاب :

- ۴-۶) **اختیار** : که بنا بر نظر مکتب اگزیستانسیالیست ، همان « به خود وانهادگی » می باشد. به این منظور که اختیار کامل در تمام امورات عالم هستی به انسان واگذار شد و خالق و مدبری برای آنها نیست و بر چگونگی انجام دادن امورات نظارتی ندارد.
- نظر مؤلف** : تمامی مواردی که برای تربیت انسان در اینجا (تربیت غیر اسلامی) ذکر شد، نگاه به بُعد اجتماعی و بیرونی انسان دارند و کمال انسان را در یک زندگی خوب بنا به تعریف خودشان می دانند و از بعد درونی و فطری انسان غافل می باشند و اصلا توجهی به آن نشده ، بلکه بالاتر ؛ مورد انکار واقع گردیده است و فقط روشهایی برای تربیت انسان در جهت رسیدن به آنچه که در تعریف زندگی خوب ذکر شد ، در نظر دارند. و به نوعی برای خودشان حد و مرزی قائل نیستند و هر آنچه را که به نظرشان لازم باشد انجام می دهند ، حتی اگر با اصل انسانیت مغایر باشد ، چرا که در بحث اختیار ، مدبر و ناظری را برای عالم نمی پذیرند.

۷) نتیجه گیری

- تعلیم و تربیت در مکتب تربیتی اسلام با آنچه در بحث تربیت غیر اسلامی به آن پرداخته شده و عموماً مکاتب تربیتی غرب می باشند ، تفاوتهای فراوانی دارد که می توان بدین صورت بر شمرد :
- ۱) در تربیت اسلامی ، انسان موضوعیت دارد ، اما در تربیت غیر اسلامی این موضوعیت با جامعه است.
 - ۲) در تربیت اسلامی ، انسان به خود شناسی و خودآگاهی می رسد ، اما در تربیت غیر اسلامی هدف از تربیت ، جامعه شناسی و جهان آگاهی است
 - ۳) در تربیت اسلامی ، برای انسان هدفی متعالی و فرامادی در نظر گرفته شده است ، اما در تربیت غیر اسلامی تنها بعد مادی و معیشتی مورد نظر است .
 - ۴) تربیت اسلامی مبنایش بر انسان سازی است و به ایجاد امتهای منتهی می گردد ، اما در تربیت غیر اسلامی جامعه ی هدف ساخته می شود.
 - ۵) در تربیت اسلامی زیر بنای تربیتی و فکری ، حکمت است ، اما در تربیت غیر اسلامی زیر بنای تربیتی و فکری ، علم و تجربه است .



۶) در تربیت اسلامی، انسان به حقیقت می رسد و در تربیت غیر اسلامی انسان به قدرت می رسد.

۸) پیشنهادات

از آنجا که این پژوهش حول مهمترین مسئله زندگی بشر، یعنی؛ تربیت می باشد و بالاتر اینکه پیامبر اکرم ص فرمودند: «علیکم بکارم الاخلاق فان الله بعثنی بها» (طوسی، ۱۴۱۴، ص ۴۷۸، ح ۱۰۴۲) بر شما باد به مکارم اخلاق، همانا خداوند مرا به مکارم اخلاق برگزید. چند مسئله باید مد نظر باشد، اولاً: تنها کسی که از راز و رمزهای اخلاقی، اجتماعی و هر بعدی که برای انسان گفته شود، آگاهی کامل دارد، خداوند است، پس او تنها کسی است که می تواند کاملترین و بهترین نسخه ی تربیتی را بفرستد. دوماً: واسطه ی این ارسال کسی است که خود نمونه ی کامل تربیت الهی می باشد. سوماً: امت اسلامی، خصوصاً جامعه ی اسلامی ایران عزیز که مدعی شیعه بودن آن بزرگواران است، لازم است که با تربیت اسلامی و اهداف این تربیت، در مقایسه با آنچه را که عده ای تربیت می نامند و هیچگاه به صورت قطعی نتوانسته اند آن را ارائه دهند، چرا که هر نظریه ای از آنها بعد از مدتی منسوخ می گردد و نظریه ی جدیدی ارائه می دهند، بلکه بتواند نقص ما قبل را نداشته باشد، آشنا شوند و برای رسیدن به جامعه ی آرمانی و سعادت اجتماعی و فردی بشر باید دنبال نسخه ای صحیح و قطعی بود که همان تربیت اسلامی است، بنابر این پیشنهاد می گردد؛ که تمام کسانی که در پی رسیدن به مقام قرب الهی و سعادت جامعه ی بشری هستند، با روش تربیت اسلامی آشنا گردند و آنرا به کار گیرند تا حرکت به سمت تعالی و کمال سرعت گیرد و حتمی الوقوع باشد. البته این آشنایی و به کارگیری آن مستلزم اثبات حقانیت و برتری تربیت اسلامی در مقایسه با سایر مکاتب تربیتی رخ خواهد داد که جا دارد در این زمینه بزرگان اهل علم و محققین، تلاش فراگیری را به عرصه ی ظهور برسانند.

۹) منابع و مراجع

قرآن کریم

نهج البلاغه

- ۱- استادان طرح جامع آموزش، خانواده و فرزندان در دوره ی ابتدایی، چ ۷، تهران، ناشر انجمن اولیاء و مربیان، ۱۳۷۶
- ۲- دهخدا، علی اکبر، لغتنامه، ج ۱۴، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۲
- ۳- شریعتمداری، علی، اصول و فلسفه تعلیم و تربیت، چ ۲۸، تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۸۴
- ۴- شریف قریشی، باقر، النظام التربوی فی الاسلام، ترجمه، بدر، شاهین، قم، نشر افق، ۱۳۸۵
- ۵- طوسی، محمد بن الحسن، امالی، چ ۱، قم، دارالثقافه، ۱۴۱۴
- ۶- گروه نویسندگان، تربیت دینی در جامعه اسلامی معاصر، چ ۱، قم، مؤسسه امام خمینی ره، ۱۳۸۸
- ۷- مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، ج ۲۲، چ ۱۱، قم، صدرا، ۱۳۸۳
- ۸- نگاهی به مکتبهای تربیتی در غرب، pajuhesh.ir